



زنگ خطری برای بی تفاوتی های بیمارگونه در جامعه

جوامع مدرن باعث شده است تا آنها از مکانیسم دفاعی عقلانی سازی برای مقابله با اضطراب ناشی از درگیری های اجتماعی کمک بگیرند و با جدا کردن جنبه عقلانی موضوع از بعد عاطفی آن بر آسیب پذیر شدن ارتباطات انسانی دامن بزنند.

جوامع مدرن باعث شده است تا آنها از مکانیسم دفاعی عقلانی سازی برای مقابله با اضطراب ناشی از درگیری های اجتماعی کمک بگیرند و با جدا کردن جنبه عقلانی موضوع از بعد عاطفی آن بر آسیب پذیر شدن ارتباطات انسانی دامن بزنند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه ایران در ادامه نوشت: رفتار بی تفاوتی که در مفاهیم جامعه شناختی از آن به عنوان پیامد زندگی شهرنشینی و تبعات سیر صعودی نرخ جمعیت یاد می شود، نوعی بی اعتنائی به هیجانات درونی انسان گرایانه و بی علاقه ای به مشکلات و درگیری های افراد دیگر محسوب می شود. حوادث و درگیری های خیابانی این روزها و واکنش های تماشاچیان که با بی تفاوتی و بی توجهی به دست و پا زدن ندای قهرمان درون برای کمک به هموعان گرفتار، فقط شاهد ماجرا هستند، از انفعالی شدن جامعه و کمرنگ شدن ارزش هایی مانند نوع دوستی سخن می گوید، پدیده ای که مدتی است ذهن پژوهشگران علوم اجتماعی را به خودش مشغول کرده و در پاسخ به این سؤال که علل گسترش اثر تماشاچی در جامعه کنونی ما وابسته به چه عوامل خطیری است، دست به انجام مطالعات گسترده ای زده اند. بررسی ها نشان می دهد، فرد گرایی و غفلت دسته جمعی افراد یک جامعه در برخورد با درگیری های افراد دیگر از یک سو به آگاهی فردی، پیشینه های فرهنگی، اقتصادی و تراکم جمعیت باز می گردد و از طرف دیگر با ناکامی در برآورده شدن نیازهای ابتدایی و کمرنگ شدن نقش زمینه های روانی لازم برای شکل گیری همدلی اجتماعی ارتباط دارد.

ریشه های بی تفاوتی

دکتر اصغر کیهان نیا روانشناس با تأکید بر گسترش پدیده تماشاچیان منفعل به عنوان یک آسیب اجتماعی و تهدید کننده سلامت روان جامعه می گوید: اگرچه مفاهیمی مانند همدلی و نوع دوستی در فرهنگ ایرانی ها قدمتی طولانی دارد اما عوامل انکار ناپذیری مانند توسعه تکنولوژی و رشد جمعیت باعث شده است تا روحیه محافظه کارانه و فرد گرایی بتدریج در بطن جامعه رسوخ کند و علاقه مند بودن به مشکلات دیگران و درگیر شدن در رنج های هیجانی آنها با احساساتی مانند ناامیدی، نارضایتی و ناکامی همپوشی کند. در این زمان است که احساس عزت نفس و مفید بودن، دیگر دوستی و مسئولیت پذیری اجتماعی رنگ می بازد و به دلیل کاهش اثر زمینه های روانی اجتماعی مانند نیاز به دوست داشته شدن و قهرمان بودن، کنشگری های اجتماعی به بی تفاوتی بیمارگونه و انفعال تبدیل می شود.

این روانشناس ادامه می دهد، تحقیقات نشان می دهد، در جوامع ملتهب و آشفته که اکثر افراد درگیر پیدا کردن راه حلی برای مشکلات اقتصادی هستند یا جوامع مرفه و غرق در تکنولوژی های مدرن روز، درگیری های شهروندان در مشکلات یکدیگر بی فایده تعبیر می شود و روحیه بی تفاوتی نسل به نسل منتقل خواهد شد.

نباید فراموش کرد، در جامعه ای که اکثر افراد آن حساسیت خود را نسبت به مشکلات دیگر افراد از دست داده و بدون شناخت از درک مسئولیت هایی که در برابر هموعان خود دارد به شکل همزیستی منفعلانه فعالیت می کند، نقش رسانه ها و مسئولان در تقویت هیجان های خیرخواهانه و انسان دوستانه و بیدار کردن عواطف انسانی مهم محسوب می شود. چرا که مطابق با پژوهش های انجام گرفته، ترویج کنشگری های منفعلانه افراد یک جامعه و از بین رفتن رفتارهای مشارکت جویانه، احساس سرخوردگی و ناکارآمدی را در افراد بالا برده و میل به افسردگی را در سطح جامعه افزایش می دهد. همچنین کاهش دلبستگی افراد به یکدیگر و جایگزین شدن وابستگی در روابط میان فردی و خانوادگی، زنگ خطری است که مرگ همدلی و انسانیت را خبر می دهد و این مسأله زمینه ساز افزایش بروز مشکلات اضطرابی و از هم گسیختگی های روانی می شود.

بیدار کردن قهرمان درون

به عقیده دکتر کیهان نیا، آموزش های اجتماعی نگاه افراد را نسبت به افراد جامعه تغییر می دهد. اکثر افراد با استناد به مفهوم

این شعر که «دلا خو کن به تنهایی که از تن‌ها بلا خیزد» تنها به خیره شدن به صحنه درگیری و جرم یا ثبت لحظه‌های اکشن با تلفن همراه خود بسنده می‌کنند و بدون فکر کردن به این مسأله که قدم برداشتن هرچند کوچک این تماشاجی‌ها زندگی یک نفر را از مرگ نجات می‌دهد، هیچ مداخله‌ای در حل بحران نمی‌کنند. به همین دلیل است که به کار بردن تدابیری مانند تبلیغات رسانه‌ای به منظور ترویج فرهنگ کمک و همدلی، وضع قوانینی که برای مداخله کنندگان در بحران پاداش در نظر گرفته شده و بی‌مسئولیتی ناظران جرم تلقی می‌شود یا آموزش الگوهای ارتباطی به افراد که به بیدار کردن عواطف انسانی منجر می‌شود، به عنوان نیازی مبرم احساس می‌شود.

دکتر افسر افشار نادری جامعه شناس و استاد دانشگاه معتقد است، در فرهنگ ما مساعدت و یاری رساندن به دیگران ارزش محسوب می‌شده اما در دهه‌های اخیر کمک کردن و مشارکت‌های اجتماعی با مفاهیمی مانند کاسه داغ تر از آش شدن و دردرس ساختن جابه جا شده و بسیاری از افراد کمک کردن به فردی که برای مثال در خیابان دچار مشکل شده را حماقت تلقی می‌کنند.

خیلی وقت‌ها افراد شاهد دزدی، کودک آزاری، درگیری‌های خانوادگی، اسید پاشی، سوانح رانندگی و بیماری همشهریان خود هستند و بدون اینکه کوچکترین اقدامی در راستای سر و سامان دادن به اوضاع انجام دهند تنها به تماشاجی شدن ماجرا بسنده می‌کنند. هر فردی با فرض اینکه دیگری باید خودش را در ماجرا درگیر کند، در لاک بی‌تفاوتی اجتماعی خود فرو می‌رود و به تصور اینکه رفتار او به تنهایی ممکن است عجیب و غریب به نظر برسد تماشاجیان منفعل تا پایان صحنه نمایش منتظر می‌مانند. این جامعه شناس ادامه می‌دهد، برای بیدار کردن هیجان‌های درونی افراد جامعه، توجه به ارضای نیازهایی مانند امنیت فردی، تقویت ارزش‌های نועدوستانه و همچنین پیگیری فعال مسئولان برای به سرانجام رساندن جرم‌های اجتماعی و برقراری امنیت اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

عملکرد ناموفق

به عقیده پژوهشگران علوم اجتماعی افراد یک جامعه باید از تبعات نادیده گرفته شدن همیاری‌های اجتماعی و بی‌مسئولیتی خود نسبت به درگیری‌های همشهریان مطلع شوند و مهارت‌های یاری رساندن درست و کاربردی در بحران‌ها را بیاموزند.

مطالعات نشان می‌دهد سبک زندگی اکثر افراد در جوامع مدرن باعث شده است تا آنها از مکانیسم دفاعی عقلانی‌سازی برای مقابله با اضطراب ناشی از درگیری‌های اجتماعی کمک بگیرند و با جدا کردن جنبه عقلانی موضوع از بعد عاطفی آن بر آسیب پذیر شدن ارتباطات انسانی دامن بزنند. این در حالی است که تمرکز بر حفظ منافع شخصی و عقل گرایی مطلق، انگیزه‌های اجتماعی برای حل مسائل مشترک را کمرنگ می‌کند و توانایی درک مشکل و بر طرف کردن آن در طیف گسترده را که از شاخص‌های هوشمندی یک جامعه است دستخوش آسیب می‌کند. با افت ضریب هوش هیجانی جامعه نمی‌توان انتظار داشت در بعد فردی افراد یک جامعه در تحقق اهداف خود موفق عمل کنند. یک تحقیق علمی که بر گروهی از افراد فعال در کارهای گروهی و افراد فردگرا انجام گرفت، نشان داد بی‌تفاوتی نسبت به دیگران با عملکرد پایین فردی ارتباط معناداری دارد.

در این مطالعه مشخص شد فردگرایی و بی‌تفاوتی از یک سو تحت تأثیر کنشگری دیگر همگروهی‌ها قرار داشته و از سوی دیگر بر عملکرد تک تک افراد گروه تأثیر منفی می‌گذارد. به طوری که در این بررسی افرادی که در کنشگری‌های اجتماعی فعال بودند بهتر از دیگر اعضای گروه با خصوصیات شخصیتی فرد گرایی و بی‌تفاوتی در حل مسأله موفق بودند و از یکدیگر تأثیر می‌گرفتند. همچنین به عقیده پژوهشگران صفات شخصیتی مانند دست و دل بازی و انعطاف پذیری از شاخص‌های افراد جمع گرا بوده و این گروه تجربه رسیدن به احساس رضایت درونی و پیدا کردن معنا در زندگی را بیش از بی‌تفاوت‌ها در زندگی شخصی شان تجربه کرده بودند.